

دل زمن گو جمع دار آنکس که با من دشمنست	هر که خود را دوست میدارد بدشمن دشمنست
دوستی با دشمنم نه بهر مهر انگیز است	دوستی را دوست دارم ورنه دشمن دشمنست
در نگردد صحبت عرفی بشیخ صومعه	کو بزیرک دشمن و عرفی بکودن دشمنست
ملک حسن از شیوه خالی گرد تا گشتم خراب	کافرستانی بهم زد تا مسلمانی شکست
بقابل درد محبت کس نیامد در وجود	رنک روی خویش را هر کس بدستانی شکست
یک سجده مستانه و صد ساله عبادت	فهمیدن این مسئله موقوف دو جامست
آنی که پای تابست عجب طاعتست	شب زنده داریت بتر از خواب غفلتست
روم بدوزخ و شکر بهشت میگویم	که این بنزد مکافات من بهشت منست
درس معنی را کهن اوراق کس در کار نیست	دیده بگشا کاین رقم بر هر در و دیوار نیست
منم که از غم محرومیم جدائی نیست	میانه من و امید آشنائی نیست
از آن بدرد دیگر هر زمان گرفتارم	که شیوه های ترا با هم آشنائی نیست
سؤال نیک و بد از ما نمیکنند بحشر	گناه اهل محبت بجز رهائی نیست
دل بصد ره میرود اما مراد دل یکیست	راه اگر بسیار باشد باش گو منزل یکیست
گر تعلق نیست اسباب جهان مردود نیست	صدهزاران پرده پیش دیده و خایل یکیست
نفاغ ز خیر گی نگردد روی آفتاب <u>مطالعات</u>	این دیده آزموده نظاره کسی است
عشق میگویم و میگیریم زار <u>مطالعات</u>	طفل نادانم و اول سبقت است
گر نخل وفا بر ندهد چشم نری هست	تاریشه در آبست امید نمری هست
آندل که پریشان شود از ناله بلبل	در دامش آویز که باوی خبری هست

## البطانی

نگارش اردشیر نیک پور

تا ظهور پیامبر پاک سرشت اسلام اعراب در وادی جهل و نادانی  
 یویان و در گرداب تعصب های بیجا غوطه ور بوده از علم و دانش و فلسفه و

حکمت اطلاعاتی و از تمدن اثری نداشتند طلوع ستاره تابان اسلام آنانرا از حال  
 دیوت و جهالت خارج و بکسب علم و تمدن راغب ساخت .  
 کشورهای معظم گیتی چون ایران و روم و هند یکی بعد از دیگری  
 در مقابل سپاه باایمان اسلام مفتوح و اعراب فرهنگ و دانش ملل مزبور  
 آشنا گشتند . بزرگان و دانشمندان بخصوص ایرانیان بترجمه کتب علمی و  
 فلسفی ایران و یونان و هند پرداخته ؛ چراغ علم و ادب را که اعراب خاموش  
 بساختند بدست خود از نو روشن کردند .

در اوایل اسلام سختگیری زیادی در امور مذهبی وجود نداشت و علم  
 حکمت یونان و ایران و هند و ترجمه کتب فلسفی بشدت تمام پیشرفت میکرد  
 ولی رفته رفته اسلام از حال سادگی بدر شد و تعصب های جاهلانه و اغراض  
 شخصی بزرگان دین سد عظیمی در مقابل ترقیات حکمت و فلسفه ایجاد کرده  
 علوم دیگر جز علم فقه و قرآن باطل و بیجا شمرده شد و آنهایکه بحکمت و  
 فلسفه اشتغال داشتند دچار طعن و لعن و آماج چماق تکفیر متعصبین نادان  
 میشدند ، ابوعلی سیناها کافر معرفی میشدند چنانکه ابن سینا رباعی ذیل را سرود  
 کفر چومنی گزاف و آسان نبود محکمتر از ایمان من ایمان نبود  
 در دهر چو من یکی و آنهم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود  
 ولی بودند دانشمندی که بگفتار توده و تکفیر جهال عالم نما اعتنائی نکرده  
 در راه ترقی علوم جانفشانی میکردند .

در موقعیکه ممالک اسلامی را آفتاب فضل و کمال نور پاشی کرده  
 دانشکده ها و مدارس بزرگی در همه نقطه ایجاد میشد اروپا در وادی جهل  
 و نادانی سرگردان و بازیچه دست کشیشان بود .  
 جنگهای صلیبی چشم و گوش اروپائیان را باز کرده بعلم و فرهنگ  
 اسلام آشنا شدند و با سعی و کوشش فراوان بترجمه کتب عربی پرداختند و

آموزشگاههایی بتقلید اسلامیان در ممالک خود باز کرده تخم حکمت و دانش را که دانشمندان اسلامی از تند باد حوادث مصونش داشته بودند از شرق بغرب برده بیروزش پرداختند تا آن دانه بروئید و درختی تنسور و باورگشت .

ما شرقیان نباید باستناد اینکه علم و دانش را اروپائیان از ما یاد گرفته اند از تحصیل علوم جدیده باز مانیم و بهفت شهر عظیم حکمت و دانش که اروپائیان کشف کرده اند داخل نشده و باز در خم همان يك كوجه کهنه و خراب قدیم خود بمانیم و نیز نباید کاملاً فریفته و دلداده تمدن اروپا شده بزرگان و نامداران خود را فراموش کنیم هر روز از اهمیت نظریات و فرضیات و تحقیقات و کشفیات دانشمندان باستانی کاسته میشود ولی بر عظمت مقام و اشتهار آنان ابداً لطمه وارد نیامده و نخواهد آمد و تاریخ بهیچوجه فراموش نمیتواند کرد که اگر گذشتگان تخم دانش را نمی پزورانیدند و در راه بقای آن جاقشانی نمیکردند امروز تمدن باین پایه از تکامل نمیرسید .

تاریخ نام بزرگان و فداکاران علم و ادب و دانش و حکمت را تا لب بخیر یاد خواهد کرد و صرصر زمان قادر بیژمردن گلهای اشتهار و معرفت آنان نخواهد شد .

نگارنده بمنظور قدر دانی و سیاستگذاری از بزرگان گذشته باقت سرمایه و بضاعت علمی بسنگارش ترجمه حال بعضی از آنان اقدام کرده و در نظر دارد که مرتباً در مجله شریفه ارمقان بچاپ رساند از دانشمندان و فضلاء بزرگوار تقاضا میکنم که مقصد و منظور باطنی نگارنده را بخدمت فرهنگ میهن و یاد بزرگان و سرآمدان دانش و حکمت عذر اقدام بچنین کار خطیری دانسته از لغزش در نوشته های کم ارج و بیقدرم غمض عین بفرمایند .

در این شماره ترجمه حال یکی از ستارگان منور آسمان علم و دانش اسلام محمد بن جابر بن سنان ابو عبدالله مختصراً نگاشته میشود و ترجمه حال کامل این حکیم عالی‌المقدار را بعهده فضلا و دانشمندانی که در علم هیئت

اطلاعات کاملی دارند و می‌گذارم

\*\*\*

«محمد بن جابر بن سنان ابو عبدالله» از مشاهیر علما و اعظام حکمای اسلام در شهر «بطان» واقع در الجزیره قدم بهرصه وجود نهاد سال تولدش بتحقیق معلوم نیست همینقدر میدانیم که پنجاه سال بعد از سلطنت «مامون» خلیفه دانش پرور و فضل دوست عباسی در اوج اعلای اشتهار و معروفیت بوده و بتدریس علم هیئت میپرداخته بسیاری را از خرمن فضل و دانش خود خوشه داده و از منبع فرهنگ و کمال خویش مستفید و مستفیض میساخته است البطانی در میان علماء و دانشمندانیکه در راه ترقی علم هیئت جانفشانی و بافشاری کرده اند مقام و مرتبه و اهمیت شایانی را احراز کرده و بکشفیات فنی مفیدی نایل شده است.

مدتی در شهر «راقه» بتحصیل و تتبع در علم هیئت و ترصد ستارگان مشغول بوده و از این روی او را «محمد راقوی» نیز میگویند.

در علم نجوم بتحقیقات و نظریات بطلمیوس که اروپائیان «پتولمه» اش میخوانند معتقد بوده ولی خود نیز صاحب نظر و عقیده بوده و اصلاحات زیادی در اقوال و نظریات بطلمیوس کرده است.

بطلمیوس عقیده دارد که ثوابت در صد سال يك درجه از قوس را می‌پیمایند ولی البطانی عقیده او را رد کرده گوید ثوابت در هفتاد سال مسافت مزبوره را طی میکنند:

اگر نظریه هیئت شناسان امروزی که عبارت از طی در هفتاد و دو سال است بانبودن آلات و ادوات کامل ترصد در نظر بگیریم خواهیم دید که «البطانی» چه فکر عالی و بزرگی داشته است.

البطانی سال شمسی را سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و ۴۶ ثانیه و ۲۴ ناله میداند و در این حساب ۲۰ دقیقه اشتباه کرده و آن نیز نتیجه

اعتقاد او فرضیات بطلمیوس بوده .

« هاله » یکی از هیئت شناسان معروف می گوید که اگر البطانی رصدات بطلمیوس را مأخذ قرار نداده از نظریه « اپیپارک » متابعت میکرد حتماً خیلی پیش از این بحقیقت نزدیک میشد .

بزرگترین موفقیت ابو عبدالله در کشف « حرکت اوج متحرک شمسی است » پیش از او عقیده داشتند که نقطه مزبور در بعد مجرد غیر متحرک است ولی مشارالیه بعد از تحقیقات و ترصد زیاد ثابت کرد که نقطه اوج متحرک شمسی بهمه حال باید متحرک باشد ولی حرکت آن با حرکت ثوابت فرق دارد علاوه بر این فرضیات و نظریات بطلمیوس را در خصوص ماه و سایر اجرام سماوی غیر کافی و خطا دانسته و هر چند بتعمیل فرضیات مزبور کاملاً موفق نشده ولی اغلب مشکلات آنرا بقدر امکان حل کرده است .

البطانی جدول هیئتی ترتیب داده است که از تمام جداول هیئتی که تا آن زمان نگاشته شده برتر و مهمتر میباشد و مدت مدیدی جدول مذکور مورد استعمال دانشمندان بوده است .

کتاب هیئت او را که بعد از مطالعات و کشفیات و تحقیقات زیادی نوشته شده با کمال ترغیب و اشتیاق بزبان لاتین ترجمه کرده اند ولی چون مترجم بخوبی از عهده ترجمه بر نیامده بود قابل استفاده نگشت لذا در سال ۱۶۴۰ بار دیگر ترجمه اش کردند .

اصل کتاب او در کتابخانه « واتیکان » میباشد « اما لاند » نام البطانی را با کمال تعظیم و احترام یاد کرده او را جزو چهل نفر از مشاهیر هیئت شناسان میشمارد .

البطانی در سال (۳۱۷) هجری چشم از نیک و بد این جهان پبوشیده بدار عقبی عازم شد و آثاری از خود باقی گذاشت که تا بحد نام او را زنده و جاوید نگاهدارند .

(تهران ۱۳۲۴)